



ما می گوییم:

(۱) مرحوم علامه در نهاییه آورده است:

«بیع الدم و شرائه حرام اجماعاً لنجاسته و عدم الانتفاع به»

ما می گوییم:

۱- روشن است که ظهور این کلام در آن است که اجماع مذکور به سبب نجاست و عدم انتفاع است و لذا اجماع مذکور دلیل مستقلى نیست.

۲- ضمن آنکه ممکن است از عبارت استظهار کنیم که نجاست دلیل مستقلى نیست بلکه چون نجاست باعث عدم انتفاع می شده است، لذا نجاست را به عنوان دلیل ذکر کرده اند و لذا دلیل اصلی بر حرمت بیع، عدم الانتفاع است و در نتیجه:

مراد از عدم انتفاع هم عدم منافع غالبه حلال در آن روزگار بوده است (یعنی منافع غالبه خون در آن روزگار شرب و اکل بوده که طبعاً به سبب نجاست، این منافع حلال نبوده است). پس اگر منافع حلال در اعصار بعدی یافت شد، می توان به حلّیت بیع قائل شد.

۳- مرحوم امام درباره عبارت نهاییه می نویسند:

«و عن نهاییه الإحكام: «بیع الدم و شرائه حرام إجماعاً، لنجاسته و عدم الانتفاع به» و یحتمل بملاحظة التعلیل بعدم الانتفاع به، أن يكون المراد بالحرمة، الوضعية منها، و یحتمل أن يكون هذا الإجماع مستنقذاً من الإجماع على عدم الانتفاع به، بتوهم أن نفس البيع و الشراء من الانتفاعات.»^۱

(۲) مرحوم فاضل مقداد نیز می نویسد:

«إنما حرم بیعها لأنها محرمة الانتفاع و كل محرمة الانتفاع لا یصح بیعه: أما الصغرى فإجماعية، و أما الكبرى فلقول النبى صلى الله عليه و آله و سلم «لعن الله اليهود حرمت عليهم الشحوم فباعوها»، علل استحقاق اللعنة بیع المحرم فیتعدى الى كل محرم الانتفاع به، و لما رواه ابن عباس عن النبى صلى الله عليه و آله و سلم: ان الله إذا حرم شیئاً حرم ثمنه.»^۲

ما می گوییم:

روشن است که اجماع در کلام ایشان بر حرمت انتفاع از اعیان نجسه است و نه حرمت بیع، و این در حالی

۱. المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)؛ ج ۱، ص: ۲۹

۲. التنقيح الرائع لمختصر الشرائع؛ ج ۲، ص: ۵

است که:

«و لا یظنّ الالتزام بذلك من فیه، و یخالفه السيرة و الأخبار الواردة أيضا كما یأتی، فلا محالة یراد بذلك الانتفاعات المحرّمة التي كانت رائجة بین غیر المتعبّدين بالشرع من الأكل و الشرب و نحوهما. و کیف كان فظاهرها دوران حرمة البيع مدار حرمة الانتفاع، و عدم كون النجاسة بنفسها مانعة عن صحة المعاملة كما مرّ.»^۱

۳) مرحوم علامه در تذکره درباره دم ادعای اجماع ندارد بلکه می نویسد:

«یشترط فی المعقود علیه الطهارة الأصلية... و لو باع نجس العین كالخمر و الميتة و الخنزیر، لم یصحّ إجماعا... و الدم كلّہ نجس، فلا یصحّ بیعه. و کذا ما لیس بنجس منه، کدم غیر ذی النفس السائلة، لاستخباته.»^۲
تا اینجا

۴) شرح ارشاد فخر المحققین در دست نیست (و ظاهرا به صورت خطی در کتابخانه مرحوم نجفی مرعشی موجود است). مفتاح الکرامه پس از تقسیم دم به نجس و غیر نجس می نویسد:

«قوله قدّس سرّه: و الدم؛ أى النجس قال فی «نهاية الإحكام»: بیع الدم و شراؤه حرام إجماعاً لنجاسته و عدم الانتفاع به و قد سمعت إجماعی «شرح الإرشاد» لولد المصنّف رحمه الله و «التنقيح» و غیرهما.»^۳
این در حالی است که آنچه از فخر المحققین نقل شده است مربوط به خون نیست بلکه مربوط به اصل اعیان نجسه است.^۴

۵) در میان فقها، بسیاری حکم به حرمت بیع دم داده اند. در این میان فتوای شیخ مفید در مقنعه از ظهور بالاتری برخوردار است.

«و من كان علی ظاهر الملة ثم استحل بیع الخمر و الأشرية المسكرة و الميتة و الدم و لحم الخنزیر و التجارة فی ذلك استتیب منه فإن تاب و راجع الحق لم یکن علیه سبیل و إن أقام علی استحلال ذلك كان بحکم المرتد عن الدین الذی یجب علیه القتل کوجوبه علی المرتدین.»^۵

توضیح:

۱. دراسات فی مکاسب المحرمة؛ ج ۱، ص: ۲۷۷

۲. تذکرة الفقهاء (ط - الحديثه)؛ ج ۱۰، ص: ۲۵

۳. مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامة (ط - الحديثه)؛ ج ۱۲، ص: ۶۵

۴. مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامة (ط - الحديثه)؛ ج ۱۲، ص: ۴۴

۵. المقنعة (للشیخ المفید)؛ ص: ۸۰۱



روشن است که ایشان حرمت بیع دم را از جمله ضروریات دین می داند.

(۶) اما مرحوم علامه در مقام شمارش بیع های تحریم شده، به خون اصلاً اشاره نمی کند:

«وقد أجمع العلماء كافة على تحريم بيع الميتة، و الخمر، و الخنزير، بالنص و الإجماع. قال الله تعالى: حُرِّمَتْ

عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخَنَازِيرِ وَ تحريم الأعيان يستلزم تحريم وجوه الاستمتاع.»^۱

اشکال مرحوم خویی بر شیخ انصاری:

«فاعلم ان المصنف قد فصل بين الدم النجس فحكم بحرمة المعاوضة عليه للإجماع و الاخبار السابقة أي

الروايات العامة، و بين الدم الطاهر فقد قوى جواز المعاوضة عليه إذا فرضت له منفعة محللة كالصبيغ و نحوه،

لكونه من الأعيان التي يجوز الانتفاع بها منفعة محللة.

(و فيه) انه بعد اشتراكهما في حرمة الأكل، و جواز الانتفاع بهما منفعة محللة كالصبيغ و التسميد و نحوهما، فلا

وجه للتفكيك بينهما، و أما النجاسة فقد عرفت مرارا انه لا موضوعية لها، فلا تكون فارقة بين الدم الطاهر و

النجس، و أما الاخبار السابقة فمضافا الى ضعف سندها أنها شاملة لهما، فلو تمت لدلت على حرمة بيعهما معا

و إلا فلا.»^۲

توضیح:

۱. معلوم نیست چرا مرحوم شیخ بین خون طاهر و خون نجس فرق گذاشته است چراکه می دانیم شرب

هر دو حرام است و انتفاع از هر دو حلال است.

۲. اگر دلیل تفاوت گذاشتن را نجاست بدانند، می گوییم: نجاست موضوع مستقلى برای حرمت بیع

نیست.

۳. اما اخبار عامه که اولاً هیچ کدام حجیت کامل نداشتند و ثانیاً اگر حجت باشند در آنها بین دم طاهر و

دم نجس فرق گذاشته نشده است.

۱. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب؛ ج-۱۵، ص: ۳۴۹

۲. مصباح الفقاهة (المکاسب)؛ ج ۱، ص: ۵۴